

کیهان

در رابطه با نهضت حضرت اباعبدالله – علیه‌السلام – سخنان بسیار گفته شده و مطالب زیادی نوشته شده است و هر کس به جنبه‌ای و گوشه‌ای از آن نهضت عظیم اشاره کرده است و بیشترین نوشته‌ها در رابطه با شجاعت آن حضرت و خباثت دستگاه بنی‌امیه و بی‌وفای اهل کوفه بوده است و کمتر به جنبه‌های فرهنگی آن قیام پرداخته شده است. یکی از جلوه‌های مهم نهضت مقدس عاشورا اهمیت دادن به نماز، آن هم در اول وقت است که امام حسین(ع) به‌زیبایی آن را در ظاهر عاشورا به نمایش گذاشت. در نوشتار حاضر جایگاه نماز در سیره امام حسین(ع) در حادثه کربلا و ضرورت الگوگیری از آن مورد بررسی قرار گرفته است.

فرصت خواستن از دشمن برای راز و نیاز و عبادت در شب عاشورا

عصر روز تاسوعا وقتی که عمر سعد با لشکر عظیمی به سوی خیمه‌گاه امام حسین(ع) به راه افتاد، حضرت، برادرش حضرت بنی‌عباس علی را نزد آنان فرستاد تا خبری برای حضرتش بیابد. با غایت با پیشینهاد حضرت موافقت شد که مامور به جنگ هستند و آمادگی خود را برای جنگ اعلام کردند. وقتی ابوالفضل این خبر را به برادرش حضرت اباعبدالله رساند، حضرت فرمود: به سوی آنان برو و اگر می توانی جنگ را تا فردا به تأخیر بینداز و امشب آنان را از ما منحرف کن تا شامگاه امشب برای اخذ نماز و دعا بخواهیم و استغفار کنیم، خداوند می‌داند که من نماز برای او دوست می‌داشتم، همچنین تلاوت قرآن و کثرت دعا و استغفار محبوب من بوده است.»^(۱) ابوالفضل درخواست حضرت را به آنان رساند، آنان به فکر فرو رفتند که با چنین پیشینهادی چه کنند؟ غایت با پیشینهاد حضرت موافقت شد و فرستاده عمرسعد به همراه حضرت عباس خدمت امام حسین رسید و گفت: تا فردا به ششما مهلت می‌دهیم، اگر تسلیم شدید، شما را نزد عبدالله بن زیاد می‌بریم و اگر روی کردناید از شما دست برنمی‌داریم.»^(۲) انگیزه موافقت کنندگان با پیشینهاد حضرت یکی و همانند نبود، بعضی به این جهت موافقت کردند که شاید حضرت شبانه فرار کند و آنان از حمل سختی‌های جنگ و ننگ کشتن فرزند پیغمبر(ص) در امان بمانند و گروهی به این جهت توافق کردند که اگر ترکان و اکراد چنین پیشینهادی می‌کردند قبول می‌شد و به عبارت دیگر کرامت عربی را بالاتر از آن می‌دانستند که با چنین پیشینهادی موافقت نکنند و گروهی انتظار می‌کشیدند که امام، اوضاع و احوال را بررسی کند و تسلیم خواست آنان شود.

اهمیت نماز و عبادت برای امام در واقعه کربلا

چون امام حسین عبادت را سرلوحه کار خود قرار داده بود برای عبادت بیشتر دست تنها به پیش دشمن دراز می‌کند، او با اینکه کارهای دیگری نیز داشت و آنها را نیز انجام داد – نظیر نزدیک کردن خیمه‌ها به یکدیگر، حفر خندق در اطراف خیمه‌ها، امتحان اصحاب، آماده ساختن اسلحه‌ها و بالاخره نظافت و غیر آن»^(۳)، ولی عبادت را سرلوحه کارهایش قرار داد و عملاً هم در هرحالی به ذکر و مناجات و تلاوت قرآن مشغول بود و اصحاب او نیز چنین می‌کردند، به‌طوری که تعداد سیدین طاووس می‌گوید: امام حسین(ع) و اصحابش آن شب را به صبح رساندند درحالی‌که همانند کندیو زنبور عسل از آنان زرمزه به گوش می‌رسید. گروهی در حال رکوع و گروهی به سجده بودند، گروهی در حال قیام و گروهی نشسته بودند.^(۴) درست است که هر عملی اگر برای خدا باشد عبادت است اگر چه اصاح

شمشیر یا امتحان اصحاب باشد، ولی دادن نقش اساسی به ذکر و عبادت و مناجات و طلب فرصت از دشمن برای روزهائز، علاوه‌بر اینکه بر اهمیت عبادت می‌افزاید به دیگران نیز جهت می‌دهد که عبادت را پیوسته سرلوحه همه اعمال خود قرار دهند و حتی در بدترین شرایط و با کمترین امکانات، از عبادت غافل نشوند و امامی که در همه شرایط حتی در تشنگی شدید روز عاشورا، از

امام حسین(ع) در روز عاشورا تکلیف همگان را روشن کرده است و هیچ عامل و شرایطی نمی‌تواند انسان را از اقامه نماز و اصرار بر آن بازدارد و کوتاهی در واجبات نماز یا مستحبات آن و نیز کوتاهی در شرایط یا مقتدات آن، همه و همه با پیرو راستین امام حسین(ع) بودن سازگار است.

دشمن نم آن بی‌کسب در چنین شرایطی از دشمن فرصت می‌خواهد تا یک شب عبادت کند و روز عاشورا نیز برای اقامه نماز ملاقات‌های مهم را قبل می‌خواهد که قبول نمی‌شود و این اوج اهمیت نماز را در نزد امام می‌رساند.

زمان سخنرانی و خطابه حضرت اباعبدالله

برای لشکر حربن نیز بد

حضرت امام حسین(ع) نهم‌تاز از دشمن تقاضای فرصت برای نماز و عبادت کرد بلکه در طول مسیر مکه – کربلا نیز ملاقات‌های مهم را قبل و بعد از نماز انجام می‌داد که ازجمله آن ملاقات‌ها و خطابه‌ها سخنان حضرت با لشکر «ح» بود.

«ح» با لشکرش اولین کسانی بودند که راه را بر امام حسین(ع) بستند و او را از حرکت به طرف کوفه یا برگشت به حجاز بازداشتند، هنگام برخورد اولیه با آنان، امام حسین(ع) به اصحاب خویش دستور

زیارت عاشورا با مجموع درس‌های عقیدتی، سیاسی، فکری و انزجار از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت، در حکم محک و معیاری است که سرره را از ناسره جدا می‌کند و تقدم تبری است بر تویی، دعا و نپایش است به درگاه خداوند و درخواست توفیق انتقام از دشمنان و باز تتمّای اوست که هر کدام از عبارات آن ارزش‌هایی را ارائه می‌دهد و سسر فضل‌های غیر قابل تردیدی را فرا را انسان می‌کشاید و می‌تواند آمی در ای پیموند راه راست و رسیدن به حقیقت، راسخ و استوار کند، این زیارت‌نامه توسط امام باقر(علیه‌السلام) به شیعیان تعلیم داده شده است و صرفاً یک زیارت‌نامه جهت عرض ادب ظاهری به محضر امام حسین(علیه‌السلام) و باران ایشان نیست بلکه خود منشوری است که از جهت نوری از آن جگوه‌گام شده است چرا که این صحیفه‌هایش است برای بیان مختصر اما کامل از اسلام‌شناسی، معرفت‌شناسی، امام‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی.

زیارت حسین بن علی(ع) در کتاب‌های ادعیه و مزار وارد شده است و طول سیزده قرن علما و دانشمندان بر خواندن آن در روز عاشورا بلکه در طول سال‌ها عنایت خاصی داشته و همگان را به آن سفارش کرده‌اند، اکنون اسناد این زیارت را که عمدتاً از نوشتار استاد آیه الله سبحانی است می‌وریم.^(۱)

۱. شیخ طوسی (۳۸۵ – ۴۶۰ ه‍.ق) در کتاب «مصباح‌المتّجهد و سلاح‌المتّعب»^(۲) آن را به سه طرق نقل کرده جز اینکه طریق نخست مربوط به بیان ثواب زیارت امام حسین(ع) است و ارتباطی به نصّ زیارت معروف ندارد ولی دو سند دیگر مربوط به زیارت راجع است و ما به بررسی این دو سند بسند می‌کنیم. شیخ در کتاب مصباح‌المتّجهد زیارت عاشورا را با سند یاد شده در زیر نقل می‌کند که همه این مشایخ از قات می‌باشند، وثاقت آنها مورد پذیرش تمام علماء رجال است. افرادی که در سلسله سند شیخ واقع شده‌اند عبارت‌اند: ز محمد بن اسماعیل بن بزیع و او از صالح بن عقبه و سیف بن عمیره و او از علقمه بن محمد حضرمی و او از امام باقر(ع). علقمه بن امام باقر(ع) می‌گوید: امروز دعایی (مقصود کیفیت زیارت امام علیه‌السلام) است) یاد من بدده که هر موقع بگویم آن حضرت را از نزدیک زیارت کنم آن را بخوانم و دعایی یاد من بدده که هر موقع خواسته‌م آن حضرت را از دور و از خانه‌ام زیارت کنم، بخوانم. علقمه می‌گوید: امام به من گفت هر دو رکعت نماز گزاردی ...

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی صفحه ۸۷ می‌نویسد: بر این تحریف‌ها و مسخ‌ها و دروغ‌ها باید گریست! انسان وقتی که در تاریخ نگاه می‌کند می‌بیند که به سر حادثه عاشورا چه آورده‌اند! امروز اگر کسی بخواهد بر امام حسین(ع) یگر، بد، بر این مصیبت‌هایش باید بگریزد، بر این تحریف‌ها و دروغ‌ها باید بگریزد. کتابی است معروف به نام «روضه‌الشّهداء» از مال‌حسین کاشفی. داستان‌های تحریف شده، او بار در کتاب این مرد آمده است. کتایی نوشته‌است که فارسی، اولین کتابی که در مرتبه به فارسی نوشته شده همین کتاب روضه‌ الشّهداء است که یا‌نصّد سال پیش نوشته شده است. برای مثال شیخ مفید (رضوان‌الله علیه) کتاب ارشاد را نوشته است و چقدر متقن نوشته است، ما اگر به ارشاد شیخ مفید نوشته‌ام مراجعه کنیم، احتیاج به منبع دیگر نداریم. من وقتی این کتاب روضه‌الشّهداء را خواندم، دیدم حتی اسم‌ها جعلی است، یعنی در میان اصحاب امام حسین(ع) اسم‌هایی را می‌وردی که

در رابطه با نهضت حضرت اباعبدالله – علیه‌السلام – سخنان بسیار گفته شده و مطالب زیادی نوشته شده است و هر کس به جنبه‌ای و گوشه‌ای از آن نهضت عظیم اشاره کرده است و بیشترین نوشته‌ها در رابطه با شجاعت آن حضرت و خباثت دستگاه بنی‌امیه و بی‌وفای اهل کوفه بوده است و کمتر به جنبه‌های فرهنگی آن قیام پرداخته شده است. یکی از جلوه‌های مهم نهضت مقدس عاشورا اهمیت دادن به نماز، آن هم در اول وقت است که امام حسین(ع) به‌زیبایی آن را در ظر ظاهر عاشورا به نمایش گذاشت. در نوشتار حاضر جایگاه نماز در سیره امام حسین(ع) در حادثه کربلا و ضرورت الگوگیری از آن مورد بررسی قرار گرفته است.

داد که آنان را سرباب کنند و حتی بر اسبان آنان نیز آب بپاشند، سپس هنگام نماز ظهر پس از اینکه مودن آنان گفت، حضرت با حر و لشکریانش سخن گفت و پس از آن اقامه نماز ظهر کرد و هر دو گروه به مقر خویش برگشتند. باز هنگام نماز عصر، حضرت نماز را اقامه کرد و پس از نماز با حر و لشکریانش به‌گفت‌وگو پرداخت.

به نظر می‌رسد که انتخاب وقت نماز برای سخنرانی و خطابه، یک انتخاب حساب‌شده و دقیق بوده است، زیرا چون هنگام نماز توجه انسان به خدا بیشتر است، آمادگی بیشتری برای حق‌گویی و حق‌شنوی دارد و به همین خاطر پیامبر اکرم(ص)، حضرت علی(ع) را بعد از نماز، در غدیر خم برای امامت و ولایت معرفی کرد و نیز هرگاه پیامبر اکرم(ص) کار مهمی با امت داشت منادی بانگ برمی‌داشت که «الصلاة الجامعة» (همه

امام حسین(ع) در میدان جنگ، در مقابل دشمن و با وجود گرمی هوا، فشار دشمن، تشنگی و زخم‌های زیاد نماز را اقامه کرد، اگر ما در سرباط معمولی و عادی به فکر اقامه نماز نباشیم و مثلاً در روز عاشورا تعزیه امام حسین(ع) و باشکوه برگزار شدن سینه‌زنی برای آن حضرت، نماز اول وقت یا نماز جماعت اول وقت را تحت‌الشعاع قرار دهد، باید اعتراف کنیم که خیلی از راه و روش امام حسین(ع) دور و جدا هستیم.

نماز

برای نماز جمع شوند) و همه مردم جمع می‌شدند و نماز اقامه می‌شد و سپس پیامبر اکرم(ص) مطالب خود را ایراد می‌فرمود.

نماز امام حسین(ع) در ظهر عاشورا

همان‌طور که گفته شد امام(ع) شش عاشورا را از دشمن فرصت خواست و در آن شب او و اصحابش به مناجات مشغول شدند، وقتی که صبح شد و دو لشکر درمقابل هم قرار گرفتند، امام(ع) خطابه‌هایی خواند و نصیحت‌هایی کرد، ولی بر دل‌های کوفیان اثری نکرد، زیرا که «ملت بطونهم من الحرام»^(۱)، شکم‌های آنان از حرام پر شده بود و از حرام تغذیه کرده بودند. پس از این مرحله درگیری شروع شد، خیمه‌های حضرت تیرساران گردید. این درگیری و دفاع تا ظهر ادامه یافت، در هنگام ظهر علاوهبر خاندان بنی‌هاشم که خویشان نزدیک امام بودند گروهی از اصحاب نیز هنوز در قید حیات بودند، ابوتامه صیدوی که یکی از آن یاران باوفا بود، نزد حضرت آمد و عرض کرد: «ای اباعبدالله، جانم به قربان شما، دشمنان به شما نزدیک شده‌اند، و به خدا قسم تا من کشته نشوم اجازه نمی‌دهم شما را بکشند و دوست دارم که خدا را ملاقات کنم درحالی‌که این نماز هم در پیش خوانده باشم. امام سرش را به آسمان بلند کرد و نگاهی به آسمان انداخت و فرمود: «نماز را خاطر نشان کردی خداوند شما را از نمازگزاران قرار دهد، بله الان اول وقت نماز است، سپس فرمود، از آنان

دشمنان دست از ما بکشند، تا نمازمان را بخوانیم.»^(۲) حسین بن‌نمیر – که از لشکر کوفه بود – گفت نماز شما قبول نیست. حبیب بن مظاهر جواب داد گمسان می‌کنی نماز فرزند پیامبر(ص) قبول نمی‌شود و از تو قبول می‌شود ای نمک به حرام؟! امام به زهریبن قین و سعیدبن عبدالله فرمود: پیش روی من بایستد تا نماز ظهر را بخوانم، آنان با نیمی از یاران در پیش روی آن حضرت، مقابل دشمن ایستادند و حضرت نماز خوف خواند.^(۳)

نگاتی درباره نماز ظهر عاشورا

الف) کلمات مقدماتی ابوتامه برای این بود که بگوید تقاضای خواندن

نماز ظهر برای خوف از کشته شدن یا سستی در کارزار نیست بلکه برای این است که می‌خواهم آخرین نماز را نیز خوانده باشم و فضیلت آن را درک کنم.

ب) لشکر عمرسعد که خود را مسلمان می‌دانستند و برای دفاع از حکومت ناحق یزید، به یا خاسته بودند، با کمی دقت می‌توانستند به خطا بودن راه و روش خود پی ببرند، زیرا بر فرض که حسین بن علی خطاراک باشد و نمازش قبول نباشد چرا خود لشکریان یزید که خود را برحق و اهل دفاع از نماز می‌دانستند سراغ نماز نرفتند؟ آیا در وجوب نماز و در اینکه الان وقت نماز ظهر است نیز شک داشتند؟ آیا نماز رکن اساسی دین نبود؟ (ج) حضرت در جواب کلام ابوتامه که «حشرکاله معرسوله» خداوند «جعلک الله للمصلین» خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد، با اینکه در ظاهر و در واقع این نماز، آخرین نمازی بود که او می‌توانست بخواند و خواند اما سوال این است که چرا حضرت چنین داعی کرد؟ به عبارت دیگر اگر حضرت دعا می‌کرد که «رزقکالله الجینه» یا «حشرکاله معرسوله» خداوند بهشت را روزی تو کند، خداوند با پیامبر محشورت کند، معنی واضح بود یا اگر دعا می‌کرد که خداوند شما را حفظ کند یا خداوند اعمال را قبول کند، باز معنی واضح بود، اما دعای: خدا شما را از نمازگزاران قرار دهد، با

امام حسین(ع) در میدان جنگ، در مقابل دشمن و با وجود گرمی هوا، فشار دشمن، تشنگی و زخم‌های زیاد نماز را اقامه کرد، اگر ما در سرباط معمولی و عادی به فکر اقامه نماز نباشیم و مثلاً در روز عاشورا تعزیه امام حسین(ع) و باشکوه برگزار شدن سینه‌زنی برای آن حضرت، نماز اول وقت یا نماز جماعت اول وقت را تحت‌الشعاع قرار دهد، باید اعتراف کنیم که خیلی از راه و روش امام حسین(ع) دور و جدا هستیم.



اولویت نخست امام حسین(ع) در واقعه کربلا

اینکه جوی از یک نماز نمی‌توانست بخواند برای چیست؟ در شب این سوال می‌توان گفت نمازگزاران واقعی دارای درجه و مقامی بالاتر و عالی‌تر از همه درگاه مطرح شده هستند و جایگاه نمازگزار حقیقی برتر از مجاهد واقعی است، به همین جهت با اینکه ابوتامه مجاهدت و فداکاری خود را نیز مطرح کرد ولی دعای حضرت به نمازگزار بودن تعلق گرفت و داعایی که در این حال برای چنین شخص مجاهدی که تمام راه را همراه حضرت بوده و فشارها و تشنگی‌ها را تحمل کرده و از صبح تا ظهر کارزار نموده است، سزاوارتر است و تنها مقامی که شایسته چنین مجاهد مخلصی است اینکه به مقام نمازگزار بودن برسد که از مقام مجاهدت بالاتر است.

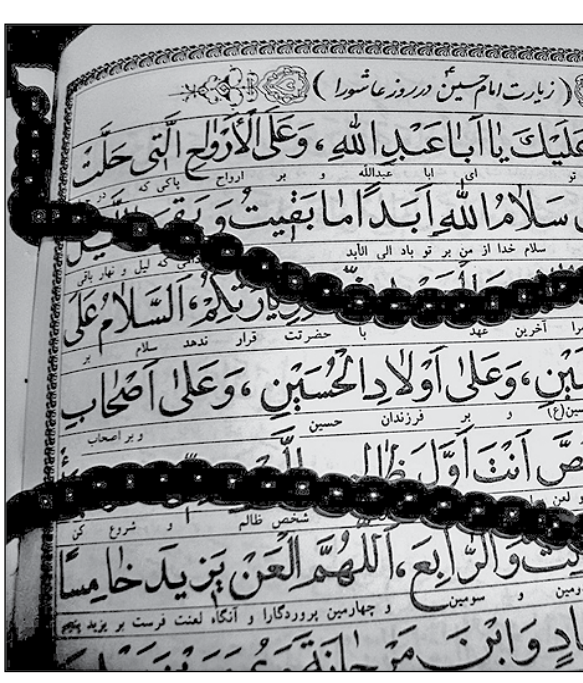
د) از اینکه ابوتامه چنین پیشینهادی کرد و به نماز اول وقت توجه

حضرت امام حسین(ع) نهم‌تاز از دشمن تقاضای فرصت برای نماز و عبادت کرد بلکه در طول مسیر مکه – کربلا نیز ملاقات‌های مهم را قبل و بعد از نماز انجام می‌داد که ازجمله آن ملاقات‌ها و خطابه‌های سخنان حضرت با لشکر «ح» بود.

داشت معلوم می‌شود که نماز اول وقت ووجه به مستحبات، از مختصات امام و پیامبر نیست تا کسانی بگویند ما کجا و امام کجا، آنان معصومنند و ما با آنها فاصله زیاد داریم، بلکه معلوم می‌شودد یاران امام که معصوم پیش روی من بایستد تا نماز ظهر را بخوانم، آنان با نیمی از یاران در پیش روی آن حضرت، مقابل دشمن ایستادند و حضرت نماز خوف خواند.^(۳)

الف) کلمات مقدماتی ابوتامه برای این بود که بگوید تقاضای خواندن

زیارت عاشورا و اعتبار سند آن



عمل آمد این نتیجه حاصل شد که سند زیارت عاشورا که از طریق شیخ نقل شده کاملاً صحیح و معتبر است.

۲. سند دوم زیارت عاشورا سندی است که در کامل‌الزیارات^(۱) جعفرسن محمد بن قولویه (م ۳۶۷ ه‍.ق) نقل شده است. این قولویه به دو سند آن را نقل کرده که عبارت‌اند از: الف- حکیم بن داود، که از مشایخ بلاواسطه ابن قولویه بود و به تصریح وی نقل است، وی از محمد بن موسی همدانی که جرحی درباره او وارد نشده و سپس او از محمد بن خالد طیبالی و او از سیف بن عمیره و همیان جمال که هر دو اینها نیز به تصریح نجاشی نقل می‌باشند^(۲) این زیارت را نقل کرده‌اند. با بررسی مختصری که از اسناد شیخ طوسی به

حضرت صادق(ع) هم روضه‌خوانی نمی‌گفتند، در زمان امام حسن عسکری(ع) هم روضه‌خوانی نمی‌گفتند، بعد در زمان سید مرتضی هم روضه‌خوانی نمی‌گفتند، در زمان خواجه نصیرالدین طوسی هم روضه‌خوانی نمی‌گفتند، از یانصّد سال پیش به این طرف اسم این کار شده «روضه‌خوانی» روضه‌خوانی یعنی خواندن کتاب «روضه‌الشّهداء»، همان کتاب دروغ.

از وقتی که این کتاب در دست و بال‌ها افتاد، در میان دشمن‌ها اسم‌های واقعی امام حسین(ع) را مطالعه نکرد و شند افسانه‌سازی روضه‌الشّهداء خوانند. ما شدید روضه‌خوان، یعنی روضه‌الشّهداء خوان، یعنی افسانه‌ها را نقل کردن و به تاریخ امام حسین(ع) توجه نکردن. در شصت هفتاد سال پیش هم مرحوم ملافاقی دربندی پیدا شد، تمام حرف‌های روضه‌الشّهداء را به اضافه یک چیزهای دیگر، همه را یکجا جمع کرد که دیگر واولیاست! واقعاً به (حال) اسلام باید گریست!

نمی‌شود، اگر انسان بر مستحبات‌اصرار کرد و بر آنها مداومت ورزید، آنچنان می‌شود که با حدود ۱۳ تیز بر بدن، از امام حسین(ع) دفاع می‌کند، ولی اگر مستحبات را یکی پس از دیگری ترک کرد، کم‌کم به واجبات هم ضربه می‌خورد کما اینکه عمر سعد در وهله اول، برای کشتن امام حسین اقدام نکرد بلکه می‌خواست حتی‌المقدور با سخت‌گیری و آب بستن و سایر مزاحمت‌ها و ارتکاب مکروهات، کار را فیصله دهد، اما ارتکاب مکروهات سرانجام به ارتکاب بزرگ‌ترین حرام منجر شد.

ه) ابوتامه می‌خواستست نماز ظهر را بخواند و امام(ع) هم نماز ظهر را اقامه کرد و صحبتی از نماز عصر به میان نیامد، آیا شدت جنگ مانع از اقامه آن شد یا اینکه خواندن نماز عصر بلافاصله پس از ظهر متداول نبوده است؟ به نظر می‌رسد دومی به صواب نزدیک‌تر باشد، زیرا اصحابی که سعی می‌کردند هیچ مستحبی از آنها فوت نشود، حتی سعی داشتند هر نماز را در وقت فضیلت خود اقامه کنند و بر اقامه نماز عصر در وقت خود اصرار داشته‌اند و چنانکه روش است هر چند جمع کردن نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا از دیدگاه اسلامی جایز و بلامانع است اما مستحب موکد است که نمازها را هر کدام در فضیلت خاص خود اقامه کنیم تا از اجر بیشتری برخوردار شویم.

و) اینکه امام حسین(ع) در میدان جنگ، در مقابل دشمن و با وجود گرمی هوا، فشار دشمن، تشنگی و زخم‌های زیاد نماز را اقامه کرد، اگر ما در شرایط معمولی و عادی به فکر اقامه نماز نباشیم و مثلاً در روز عاشورا تعزیه امام حسین(ع) و باشکوه برگزار شدن سینه‌زنی برای آن حضرت، نماز اول وقت یا نماز جماعت اول وقت را تحت‌الشعاع قرار دهد، باید اعتراف کنیم که خیلی از راه و روش امام حسین(ع) دور و جدا هستیم. اگر در اداره و دانشگاه، در فرودگاه و پایانه مسافربری‌ها و همه جا و همه جا، نماز تحت‌الشعاع سایر برنامه‌ها قرار گیرد و گاهی خدای نکرده به حدف نماز و قضا شدن آن منجر شود و باز خود را پیرو امام حسین(ع) بدانیم سختی بسیار دور از حقیقت‌گفتیم.

روزی از اسناد خود مرحوم آیتالله ایزدی پرسیدم که بنده به خاطر اینکه درس زیاد دارم موفق به نماز شب نمی‌شوم آیا اشکالی دارد که به خاطر درس که شاید واجب هم باشد نماز شب را ترک کنم؟ ایشان از قول اسناد خودشان امام امت(ره) نقل می‌کردند که ایشان می‌فرمود: درسی که با نماز شب همراه نباشد، شقاوت می‌آورد، اگر از روی اتفاق یک مرتبه به خاطر مشکلاتی نتوانستی نماز شب بخوانی و مجبور شدی به جای آن مطالعه کنی اشکال ندارد ولی اگر پیوسته بخوابی چنین

حجرت احمد عابدینی

اولویت نخست امام حسین(ع) در واقعه کربلا

کنی جز شقاوت و بدبختی نصیبی نخواهی داشت. امام نتیجه‌ای که می‌توان از بحث‌های مربوط به نماز امام حسین(ع) در روز عاشورا گرفت اینکه امام در روز عاشورا تکلیف همگان را روشن کرده است و هیچ عامل و شرایطی نمی‌تواند انسان را از اقامه نماز و اصرار بر آن بازدارد و کوتاهی در واجبات نماز یا مستحبات آن، کوتاهی در شرایط یا مقتدات آن، همه و همه با پیرو راستین امام حسین(ع) بودن ناسازگار است. ممکن است کسی اشکال کند که به حال مستحبات، قابل ترک است و نباید زیاد بر آنها اصرار کرد، در جواب باید گفت صحیح است که مستحبات قابل ترک کردن است ولی پیرو امام حسین(ع) بودن و عاشورایی بودن مقامی است که بدون انجام مستحبات به آن مقام نتوان رسید و اسلام و تشیع سانسات‌هایی، از پیرو واقعی حسین بودن کاملاً جداست. همچنین صحیح است که از نهضت اباعبدالله درس‌های فراوانی گرفته‌ایم و اگر نمازی هست و اگر عبادتی هست و اگر در شهرها و روستاها نماز و ذکری است همه از برکت قیام امام حسین(ع) است، ولی تا این حد کافی نیست و قانع شدن به این حد سدا راه تکامل است، باید به جایی رسید که هنگام آنان، همه جا صدای آنان بلند باشد و همه مردم با اختیار و رغبت، به سوی مساجد و مکان‌های اقامه نماز جماعت بروند.

پانوشته‌ها:

- ۲- و بحارالانوار ج ۴۴ ص ۳۹۲؛ ارشاد مفید، ج ۲ ص ۹۰.
- ۳- بحارالانوار ج ۴ ص ۳۱۶ و ص ۳۹۲ تا آخر و ج ۲۵ تا ص ۶
- ۴- همان، ج ۴۴ ص ۳۹۴.
- ۵- اشاره به کلام امام حسین(ع) است که وقتی چند مرتبه سبایهان دشمن را نصیحت کرد و نتیجه‌ای ندید فرمود: «فقد ملئت بطونکم من الحرام»، «شکم‌های شما از حرام پر شده است. (بحارالانوار، ج ۴۵ ص ۸)
- ۶- بحارالانوار، ج ۴۵ ص ۲۱

نقات هستند. پس نخستین سند کامل‌الزیارات سند معتبری می‌باشد. ب- سند دوم از طریق محمد بن اسماعیل و او از صالح بن عقبه و او از مالک جهنی است. درباره دو شخصیت نخست بیان شد که اولی از اکابر مشایخ شیعه و دومی از راویان مقبول الروایه است، اما درباره مالک جهنی هر چند در کتب رجالی توثیق خصوصی وارد نشده است ولی شخصیت‌های مانند: عنی بن ابراهیم و یونس بن عبدالرحمان و عبدالله بن مسکنان یا واسطه یا بی واسطه و نقل روایات از او برداخته‌اند و شیخ مفید در ارشاد ابیاتی از او در مدح امام باقر(ع) نقل کرده که حاکمی از ولاه خاص او به خاندان رسالت می‌باشد.^(۱) با توجه به این قرائن می‌توان او را فرد مقبول الروایه خواند.
۱. این بحث نتیجه می‌گیریم:
۱. اسندهای چهار یا پنج‌گانه هر یک دیگری را تأیید کرده و مایهٔ اطمینان می‌شوند زیرا چه بسا سندی به تنهایی اطمینان‌آفرین نباشد اما آنگاه که در کنار سندهای دیگر قرار گرفت از قوت بیشتری برخوردار می‌شود.
۲. مواضع علما شیعه بر خواندن زیارت عاشورا در طول این قرون خود می‌تواند مایهٔ ثبوت حدیث شود؛ زیرا چنین اتفاقی از علما و دانشمندان بدون یک مدرک قطعی امکان‌پذیر نیستست و شاید در این میان اساتید دیگری نیز بوده که به دست ما نرسیده است.
۳.ضمون زیارت عاشورا به‌طور اجمال در دیگر زیارات نیز وارد شده و همگی از یک اسلوب و یک نگرش به دشمنان اهل بیت(علیهم‌السلام) حکایت می‌کند.
۴. یادآوری این نکته لازم است که برخی عظمت زیارت عاشورا را در حدّی دانسته‌اند که آن را از احادیث قدسیه برشمرده‌اند. یکی از علمای معاصر در این باره نوشته است:
که در اینکه زیارت عاشورا از احادیث قدسیه بوده و سلسلهٔ اسناد آن به گفتار خدا و (قال‌الله) منتهی می‌شود شکی در آن نیست و امان نظر در این مطلب زیارت عاشورا را بیش از پیش روشن می‌سازد که کلام خداست و سخن عادی نیست.^(۲)

مهم‌رکز مطالعات و پاسخگویی به شهادت حوزه علمیه قم

پی‌نوشت‌ها:

- ۱] ر.ک: سیمای فرزاتگان، مؤسسه امام صادق، ج اول، قم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۲۵ و ۴۴۴ و ج ۲ ص ۲۱۴.
- ۲] سیمای فرزاتگان، مؤسسه امام صادق، ج اول، قم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۰۱
- ۳] ابوالقاسم خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج سوم، بیروت، ۱۴۰۲، هـ، ج ۱۶، ص ۶۹
- ۴] ن.جاشی، همان، ص ۴۲۵ و ۴۴۰.
- ۵] کامل‌الزیارات، تحقیق جواد قیومی، مؤسسهٔ نشر الفقهاء، ج اول، قم، ۱۴۱۷، هـ ص ۲۲۵، باب ۷۱.
- ۶] الارشاد، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، ج اول، المؤتمر العلمی الالفیه الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳، هـ، ج ۲، ص ۱۵۷.
- ۷] تهیاری، ابوالفضل، شفاء الصدور فی شرح زیارةالعاشورا، تحقیق علی طهرانی، ج اول، قم، ۱۴۰۷، هـ ص ۸ و ۱۲۴ – ۱۲۵.

صفحه ۶
پنج‌شنبه ۶ مهر ۱۳۹۶
۷ محرم ۱۴۳۹ – شماره ۲۱۷۳۴



چراغ راه

آثار هم‌نشینی با خردمندان

قال‌الامام‌الحسین(ع): «من دلائل علامات‌القبول، الجلوس الی اهل‌العقول»

امام‌حسین(ع) فرمود: از نشانه‌های پذیرفتن حق (و قبولی اعمال بنده در پیشگاه خداوند) هم‌نشینی با خردمندان است.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۱۱۹

حکایت خوبان

سیاهی لشکر دشمن هم عقوبت دارد!

این رباع روایت می‌کند مرد یابیانی را که در روز شهادت امام حسین(ع) در کربلا حاضر شده بود دیدم، کسی علت یابیانی او را سوال کرد. او جواب گفت: ما ده نفر رفیق بودیم که برای کشتن حسین(ع) به کربلا رفتیم، ولی من شمشیر و تیر و نیزه به کار نبردم چون حسین(ع) کشته شد، به خانه بازگشتم و نماز عشا خواندم و به خواب رفتم. در عالم خواب شخصی نزد من آمد و گفت: رسول خدا(ص) تو را می‌بخشاند، برابر او اجابت کن! گفتم: مرا با رسول خدا(ص) چه کار است؟ آن شخص گریبان مرا گرفت و کمان کشان نزد رسول خدا(ص) برد. دیدم پیغمبر خاتم(ص) در بیابانی نشسته و آستین‌های خود را بالا زده و حرابه‌ای در دست گرفته و فرشته‌ای برآبر او ایستاده و در دست او نیز حرابه‌ای است از آتش، نه نفر از دوستان مرا کشت و به هر کدام که ضربتی می‌زد سرتاپی آنها از آتش فرا می‌گرفت و می‌سوزانید. من نزدیک رسول خدا(ص) رفتم و مقابل او زانو بر زمین زدم و گفتم: السلام علیک یا رسول‌الله. ولی آن حضرت جواب نفرمود، و مدت زیادی مکت کرد. پس از آن سر خود را بلند کرد و فرمود: ای دشمن خدا! هتک حرمت مرا نمودی و عترت مرا کشتی و حق مرا ربابت نکردی!- گفتم: یا رسول‌الله که خدا قسم در کشتن فرزندان تو شمشیر زد و نه زنه به کار بردم و نه تیر می‌انداختم. پیامبر(ص) فرمود: راست گفتی ولی سیاهی لشکر کشتگان حسین می‌فرمود: نزدیک من بیا. من نزدیک رفتم. دیدم پشتی از خون نزد اوست. به من فرمود: این فرزندم حسین است. پس از آن خون به چشم من کشید، چون بیدار شدم تاکنون چیزی را نمی‌بینم.»^(۲)

۱- ترجمه لئوف سیدین طراوس، ص ۱۵۳.

پرسش و پاسخ

چرایی انتخاب کوفه

پرسش:
چرا امام حسین(ع) برای قیام خود کوفه را انتخاب کرد و بمن را که سابقه‌ای شیعی داشت انتخاب نکرد؟

پاسخ:
در سه بخش قبلی پاسخ به این سوال به اموری که این پرسش را از اهمیت مضاعفی برخوردار کرده و نظریه‌شهادت به عنوان پاسخی به این سوال و نقد آن و نظریه تشکیل حکومت اسلامی و اهل آن پرداخته شد.اینک در بخش پایلی دنباله‌مطلب را پی می‌گیریم.

نقدی بر نظریه تشکیل حکومت

مهم‌ترین اشکال‌های این نظریه به اشکال عمده زیر است:

۱- این نظریه به ایمیالی کلامی شیعه – که امام‌ارحام به‌غیب می‌دلند در تناقضی است، آن حضرت در امام حسین(ع) نسبت خطا و اشتباه کاری می‌دهد که با عصمت آن حضرت، در تضاد است. به نظر می‌رسد این اشکال، مهم‌ترین دلیل روی‌گردانی جامعه شیعی از این نظریه است.

پاسخ به این اشکال مستلزم ورود در مباحث کلامی همچون مدلول و محتوای علم غیب و عصمت، طریقه اثبات آنبا، چگونگی آن، تناقض آن و نقد آن در هنگام چالش با واقعیت‌های تاریخی، می‌باشد. اما از آنجا که ما را از مسیر خود – که تحلیل بر اساس شیوه‌های تاریخی است-دور می‌کند، این‌نمی‌پردازیم.البته متذکر می‌شویم که مباحثی کلامی نیز امکان پذیرفتن این نظریه وجود دارد،چنان‌که تحلیل شخصیت‌هایی همچون امام خمینی(ره) نیز بر این اساس است.اقدام برای تشکیل حکومت «وظیفه» است و باید همراه با تدبیر، انعام حجت، درایت و همراه‌گامی دیگران انجام گیرد. اما «حتیجه» با خدا است و باید به آن رضایت داد، و حتی اگر علم به «حتیجه» داشته باشیم، با اقدام بر انجام «وظیفه» منقافات نداره؛ زیرا کسی که بر اساس حق، حرکت می‌کند، شکست او مقطعی است و پیروزی نهایی در طول تاریخ با حرکت قبولیه است.

طبق اشکال گفته شده، عدم موفقیت امام حسین(ع) در این هدف (تشکیل شدن حکومت اسلامی و یکپکه تحریک قریب‌کاران مهاجران)، حاکی از برآورد نادرست امام(ع) از کوفیان و مردمان آن بوده و درستی نظر شخصیت‌های آن زمان همانند آن عباس را اثبات می‌کند.

در پاسخ به آنان می‌توان با تحلیل تاریخی و واقع‌بینانه غلطیبت حرکت امام حسین(ع) را اثبات کرد.

عقلانیت حرکت امام حسین(ع)

اگر یک شخصیت سیاسی با در نظر گرفتن شرایط مختلف و تحقیق کافی درباره یک تصمیم، سرانجام مغلقاً به نتیجه‌ای رسیده و بر اساس آن تصمیمی گرفته و در این میان علمای کلامی‌معتبره‌ها همی در اجرای پیش‌بینی او ایجاد کردی، نمی‌توان آن شخصیت را منتهم به خطاکاری کرد.

ما معتقدیم در آن مقطع تاریخی، امام حسین(ع) به خوبی اوضاع کوفه را زیر نظر گرفت. اما حضرت در زمان معاویه حاضر نشده بود به کوفیان پاسخ مثبت دهد و صریحاً تقاضای آنها را رد کرد. حتی برادرش محمد حنفیه را از پاسخ مثبت به این‌نامه بازداشته بوددر این هنگام نیز به مجرد وصول این‌نامه‌ها به آنان اعتماد نکرد؛ بلکه به منظور دریافت صحت و سقم آنگاه کوفیان، برسرعوی خود مسلم بن عقیل را به آن سامان گسیل داشت و پس از آنکه مسلم بیش از یک مایه در آن سامان توقف کرد و از نزدیک با اوضاع آشنا شد و به این نتیجه رسید که اوضاع برای پیروان امام حسین(ع) مناسب است و این را نامه خود به آن حضرت نگذاشت. امام حسین(ع) به سمت این شهر حرکت کرد. البته حرکت زود هنگام امام(ع) در ایام حج را باید معلول خاطر جانی برای آن حضرت در مکه به حساب آورد.

در این میان علما غیرمطرفانه را که باید، مدد برکنری نعمان بن بشیر جایگزینی

عبدالله بن زیاد به جای او در کوفه بود که هیچ شخصیت سیاسی نمی‌توانست این عامل را پیش‌بینی کند؛ بلکه ظاهر اوضاع، کاملاً خلاف این مطلب را نشان می‌داد؛ زیرا درباره رابطه میان یزید و این زیاد چنین گفته شد است: یزید بر او خشمگین بوده و در صد عزت او از حکومت بهره برده است. حتی در بعضی از منابع چنین آمده است: «یعنی یزید دشمن‌ترین مردمان نسبت به این زیاد بود.»

با وجود این عامل اگر مسلم و یارانش نیز مانند این زیاد می‌توانستند از اهرم‌های فشار، تهدید و تطمیع استفاده کنند، پس در سامان‌دهی بیعت‌کنندگان می‌پرداختند و از عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی،